

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوَثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَتَحْرِرْ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

من این شرافت خود را به عالمی ندهم

که هست مام بزرگم صدیقه الزهراء (ع)

تهیه کننده : مهندس سید رضا میر محمد صادقی

به نام خدا

با توکل به خداوند تبارک و تعالی پس از چندین سال تحقیق و جمع آوری اسناد و مدارک و مراجعه

به کتب متعدد، شرح احوال و اسمی پدران خود را به رشته تحریر در می آورم و امیدوارم بستگان من

قدرت شجره طیبه ای که به آن وابسته اند را بدانند.

مطلوب زیر از کتب متعدد از جمله: کتاب ارشاد المسلمين الى اولاد امير المؤمنین تأليف مرحوم آيت

الله العظیم سید عبدالله حسینی النجفی الاصفهانی معروف به ثقة الاسلام و تفسیر الطیب البیان و کلم

الطیب تأليف آیت الله سید عبدالحسین طیب که هر دو از سادات میر محمد صادقی هستند و همچنین

کتاب ها و منابع زیر اتخاذ شده است.

مکارم الاثار تأليف محقق دانشمند میرزا محمد علی معلم حبیب آبادی و عمد الطالب، مجالس

المؤمنین تأليف شهید قاضی نورالله شوستری؛ رجال ابن داود؛ امل الامل ، منتهی المقال؛ تاریخ ابن

خلکان؛ المعجم الثقات؛ ترتیب الطبقات؛ اصول کافی؛ تذکره القبور؛ وقایع السنین و الاعوام تأليف

مرحوم خاتون آبادی ، التتفیخ؛ ناسخ التواریخ؛ احسن التواریخ؛ عالم آراء عباسی؛ گنجینه آثار تاریخی

اصفهان؛ روضه الصفا؛ تاریخ ری و اصفهان و کتب معتبر دیگر

این مسلسله سادات ابتدا به سادات حسینی و سپس به اعرجی به خاطر عبیدالله الاعرج و به مختاری به

خاطر سید ابو علی المختار از اجله علمای قرن چهارم و پنجم و سپس به سادات میر محمد صادقی و

مدرس، به خاطر مرحوم آیه الله میر محمد صادق که از علمای بزرگ اصفهان و رئیسی حوزه علمیه

اصفهان بوده و مرحوم حاج سید حسن مدرس که ایشان نیز از مراجع تقلید و رئیسی حوزه علمیه

اصفهان بوده است و چهارصد مجتهد از جمله میرزا شیرازی و جهانگیر خان قشقایی و علمای بزرگ
نجف از شاگردان وی بوده اند.

آنچه که در زیر آمده علاوه بر کتب فوق از شجره نامه قدیمی که به امضای علمای زمان رسیده است،
استفاده شده و علاوه بر آن مراجع تقلید معاصر همچون آیات عظام گلپایگانی، مرعشی نجفی، سید
کاظم شریعت مداری، حاج حسین خادمی، سید عبدالحسین طیب و سید محمد علی صادقی نیز صحّت
آنرا تأیید و امضاء کرده اند. خوشبختانه تمام این سلسله شیعه مذهب، عالم، و غالباً مورخ و فقیه و بعضاً
از اصحاب ائمه و روّات ایشان بوده اند.

با آرزوی ولایت امیرالمومنین

واولادان معصوم ایشان

مهندس سید رضا میرمحمد صادقی

اینک به ترتیب مشخصات هر یک ذکر می شود:

۱- امام المتقین امیر المؤمنین علی ابن ایطالب: پدرش ابوطالب فرزند عبدالمطلب فرزند هاشم و فرزند

عبد مناف و مادرش فاطمه دختر اسد فرزند مناف، تولدش روز جمعه، سیزده ماه رجب

سی سال بعد از تولد پیغمبر (ص) (یعنی سی سال پس از عام الفیل) واقع شده است. این مولای بزرگوار

در خانه کعبه تولد یافته و لقب فراوان از جمله امیر المؤمنین امام المسلمين و امام المتقین و ابوالائمه

و ... داشته ، طول عمر آن حضرت شصت و سه سال، مدت امامتشان سی سال و ایام خلافت ظاهریشان

حدود پنج سال بوده است و سرانجام پس از آنکه در نوزدهم ماه رمضان سال چهلم هجرت ، در

محراب مسجد کوفه و در حال نماز به ضربت این ملجم مردای لعنت الله عليه مجروح شد، در روز

بیست و یک رمضان سال چهلم هجرت دعوت حق را لیک گفت و به شهادت رسید. پیکر پاکش در

نجف به خاک سپرده شده است.

و بطوری که آن زن شیعه در مقابل معاویه گفت: درود خدا به روان پاکی باد که چون در آغوش قبر

جای گرفت، عدالت و آزادی هم با وی به خاک سپرده شد.

(بعضی گفته اند که ابومسلم خراسانی از ترس خوارج نهروان، پیکر پاک حضرت امیر المؤمنین را به

مزار شریف در بلخ برد ولی این روایت ضعیف است و مورد تأیید علمای رجال از جمله آیه الله

مرعشی نجفی نمی باشد، بعضی هم گفته اند که مزار شریف متعلق به یکی از اولاد عبید الله اعرج می

باشد که در مزار شریف حکومت داشته و به نام امیر المؤمنین علی معروف بوده است).

از امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) به قول شیخ مفید واصح روایات، ۲۷ فرزند باقی مانده ولی برخی

۳۱ فرزند گفته اند، پانزده پسر و شانزده دختر که از پنج نفر از پسران ایشان اولاد باقی مانده که عبارتند

از امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، محمد حنفیه، حضرت عباس (ع) و عمر.

امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و زینب کبری (س) و ام کلثوم، هر چهار نفر از حضرت زهرا (س)

بهم رسیده و بقیه از زنان دیگر امیر المؤمنین بوده اند.

۲- امام حسین ابن علی (ع)؛ مادرش حضرت زهرا (س)، تولدش در روز سوم شعبان سال چهارم

هجرت در مدینه طیه و در سال وقوع جنگ خندق بوده است. مدت عمر ایشان پنجاه و شش سال و

پنج ماه و هفت روز، شهادتشان عصر جمعه دهم محرم سال شصت و یک هجری در کربلا واقع شد.

تنها اولاد ایشان که فرزند از او مانده است، امام زین العابدین (ع) می باشد.

۳- حضرت امام زین العابدین (ع) : پدرش امام حسین (ع) مادرش شهربانو، دختر یزد گرد ساسانی،

تولدش روز پنجم شعبان سال ۳۸ هجری در مدینه بوده است. طول عمر آن حضرت ۵۷ سال،

مدت امامتشان ۳۵ سال و در سال ۹۵ هجری به دستور ولید ابن عبدالملک با زهر شهید شدند و در بقیع

نزد عمویشان امام حسن (ع) دفن شدند. اولاد آن حضرت دوازده نفر هستند که از شش نفر آن‌ها اولاد

باقي مانده است که عبارتند از امام محمد باقر (ع)، عبدالله الباهر، زید شهید، عمر الاشرف، حسین

الاشرف، علی الاشرف. بنابراین امام زین العابدین (ع) در زمان شهادت امیر المؤمنین (ع) دو ساله و در

زمان شهادت امام حسن (ع) دوازده ساله و در واقعه کربلا ۲۳ ساله بوده اند و ۳۴ سال پس از واقعه

کربلا به شهادت رسیده اند. امام زین العابدین (ع) به خاطر عبادت بسیار به زین العابدین (ع) یعنی

زینت عبادت کنندگان مشهور شده است. به طوریکه در ناسخ التواریخ ذکر شده امام زین العابدین (ع)

تنها فرزند شهربانو بوده اند.

۴- حسین الاصغر: پدرش اما زین العابدین (ع)، تولدش سال ۹۱ هجری واقع شده، یعنی چهار ساله

بوده که پدرش را از دست داده است. امام صادق (ع) به طوریکه در کتاب مستدرک ذکر شده فرموده

اند:

عمی الحسین من الذین یمشون علی الارض هونا و اذا خاطبهم الجاهلون قالو سلاما(عمویم حسین از

کسانی است که در روی زمین به فروتنی راه می رود و چون جاهلان آنان را مخاطب سازند بملایمت

سخن گویند.)

و در ارشاد شیخ مفید آمده است که: کان الحسین بن علی ابن الحسین (ع) فاضلاً و رعاً و روی حدیث

کثیراً عن ابیه علی بن الحسین و عمه فاطمه بنت الحسین وعن اخیه ابی جعفر.

معروف است که حسین الاصغر در سال ۱۵۷ و در سن ۶۶ سالگی در مدینه وفات کرد و امام موسی

کاظم (ع) بر جنازه او نماز گزاردند و در بقیع کنار پدرش دفن شد. (در کتاب مکارم الاثار، قبر حسین

الاصغر را در نزدیکی قریه گرگاب نیشابور نوشته اند ولی اکثرآ همان بقیع ذکر کرده اند.

شیخ مفید در کتاب ارشاد و علامه حلی در تأثیف خود او را از راویان مورد ثوق و از اصحاب امام

محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع) و از حزب تابعین ذکر کرده اند. دخترش فاطمه یکی از همسران

امام جعفر صادق (ع) بوده است.

از حسین الاصغر ۵ اولاد پسر صاحب فرزند شدند که عبارتند از عبیدالله معروف به اعرج که سلسله ما

از نسل او هستند و عبدالله و علی و سلیمان و حسن.

۵- عبیدالله معروف به اعرج: وی از اصحاب امام جعفر صادق (ع) بوده و در حیات پدرش سفری به

خراسان رفت و مورد اکرام ابو مسلم خراسانی قرار گرفت. بر طبق بعضی روایات، عبیدالله اعرج در سال

۱۱۰ هجری متولد شده و در سال ۱۴۷ یعنی در ۳۷ سالگی فوت شده و در زمان فوت بنا بر اکثر

روایات، در قریه ذی امان یا ذی ایران دفن شده است. بعضی از مورخین، وفات وی را سال ۱۵۶ و

بنابراین طول عمر او را ۴۶ سال ذکر کرده اند که در این صورت یک سال پیش از فوت پدرش حسین

الاصغر، فوت شده است. قاضی نورالله در کتاب مجالس المؤمنین می گوید: عبیدالله مردی عظیم الشأن

بود که از وی ۴ پسر مانده است: علی الصالح، جعفر الحجّه ، محمد الجوانی و حمزه.

۶- علی الصالح: پدر عبید الله الاعرج و از وجوده زهاد روزگار و غرق محبت ائمه و از اصحاب وفادار

امام موسی کاظم و اما رضا (ع) بود و از مراتب علمی و عملی او بسیار گفته اند. زنش دختر عبد الله که

اولاد دیگری از حسین الاصغر است بوده و در مورد این زن و شوهرش در اکثر کتب از جمله در کافی

که در اصالت آن شک نیست، قصه زیر روایت شده: و علاوه بر کافی در مجالس المؤمنین؛ عمد

الطالب، در مجمع الرجال تألیف علامه عنایت الله علی قهایه ای و در کتاب محمد ابن حسن ابن بندار،

و در کتاب المعجم الثقال و ترتیب الطبقات و اکثر کتب رجال مطالب زیر دقیقاً ذکر شده است و در

صحت این قصه شکی نیست که سلیمان ابن جعفر از اصحاب اما رضا (ع) گفت: علی بن عبید الله مرا

گفت دوست دارم به خدمت ابوالحسن امام رضا (ع) مشرف شوم. گفتم چه مانعی دارد که مشرف نمی

شوی؟ گفت از اجلال و هیبت او می ترسم به او گفتم حضرت ابوالحسن (ع) مختصر کسالتی پیدا

کرده اند. اینک مناسبی برای شرف یا بی تو حاصل شده، به عنوان عیادت به حضرت ابوالحسن (ع)

مشرف گردید و آن حضرت با تکریم و تعظیم او را دیدار کردند و وی بسیار خشنود شد. آنگاه علی

ابن عبید الله بعد از مدتی کسالت پیدا کرد و حضرت به عیادتش رفتند و من با آن حضرت بودم تا آنگاه

که از منزل علی بن عبید الله خارج شدیم. سپس کنیز ما خبر داد که ام سلمه زوجه علی الصالح ازوراء

ستر (پس پرده) به آن حضرت می نگریست. چون آن حضرت خارج شدند از پس پرده بیرون دوید.

خود را بر موضعی که آن حضرت نشسته بودند انداخته می بوسید و روی خود می مالید سلیمان می

گوید: داخل شدم بر علی ابن عبید الله. او نیز مرا به کار زنش ام سلمه خبر داد و من به حضرت ابوالحسن

(ع) قصه را گفتم: آن حضرت فرمود ای سلیمان: ان علی بن عبید الله و امر ته و ولده من اهل الجنه (علی

ابن عیید الله و زنش و فرزندان نسل او از اهل بهشت هستند). و فرمود ای سلیمان فرزند علی و کاظمه

علیهم السلام آنگاه که این امر (مقصود امر امامت و ولایت) را به آنان شناسانید مانند سایر مردم

نخواهند بود یعنی مقامشان بالاست.

علی ابن عیید الله در حدود سنه ۱۳۰ هجری متولد و در سنه ۲۱۰ هجری وفات یافته و ملازم امام رضا و

امام موسی کاظم بوده است. بنابر بعضی از روایات بعد از شهادت امام رضا (ع) از خراسان حرکت و

در بغداد و کربلا و نجف متوطن گردید و مشغول جمع احادیث و روایات و احکام مذهب جعفری شد

و اولاد او در عالم زیاد هستند. و بنابر گفته کتاب عمدة الطالب دو فرزند پسر که اولاد داشته اند به نام

های عیید الله الثانی و ابراهیم از علی صالح باقی مانده است.

۷- عبیدالله الثانی: علماء و رجال از روات شمرده اند و روایت هایش مورد وثوق می باشد. وی

مردی محدث و از اهل کوفه بود. در حدود سال ۱۵۰ متوولد و در سنه ۲۴۰ هجری قمری وفات یافته

است.

۸- سید عابد و زاهد: علی ابن عبیدالله الثانی: که وی نیز از علماء و رجال برجسته زمان خود بوده و

روایتها زیاد از او نقل شده است. که مورد وثوق می باشد. علی ابن عبیدالله در سنه ۱۷۰ متوولد و

حدود سنه ۲۵۰ هجری فوت شده و در مدت عمر خود نقیب کوفه بوده است.

۹- سید جلیل القدر عبیدالله الثالث: که در مجالس المؤمنین گفته شده ابواهیب شاعر معروف قصیده ای

در مدح او سروده است. وی دارای ۲۰ پسر بوده، به نحوی که مردم می گفتند: آسمان و زمین متعلق به

پسران عبیدالله الثالث است. خانه این مرد محل پناه فقراء و مساکین بوده است خلافاً از اوضاعه می

کردند و به قرار بعضی از روات از اصحاب اما هادی و امام محمد تقی بوده است. از هشت نفر از

پسران او اولاد باقی مانده که یکی محمد الاشر می باشد. عبیدالله الثالث در حدود سنه ۲۱۰ متوولد و در

در سن ۸۲ سالگی فوت شده است.

۱۰- سید ابوالقاسم محمد الاشر: که در میان اولاد عبیدالله الثالث معروف به زهد و علم بوده و در کتب

او را جزء راویان احادیث شمرده اند در کتاب منتخب المقال نوشته شده که محمد الاشر مورد وثوق

است. این خلکان در تاریخ خود او را از علماء و اعیان شیعه و رئیس طایفه سادات معرفی می کنند.

خلاصه اینکه محمد الاشر از علماء و زهاد عصر خود شمرده می شد. وی حدود سنه ۲۴۰ متوولد و بعد

از ۷۰ سال در سنه ۳۱۰ وفات یافت.

۱۱- ابوعلی ابوالفتح محمد: وی نقیب کوفه بوده است و قدر و عظمت شان او در کتب تاریخ و رجال ذکر شده است و قاضی نورالله در کتاب مجالس المؤمنین از میرمحمد قاسم نسبه که فاضلی معروف است نقل می کند که سید محمد از سادات عالی درجات است. و نقابت کوفه و ریاست سادات اعراب بلکه ریاست تمام شیعه مملکت بنی عباس را داشته است. تولد این عالم ربانی سنه ۲۸۵ هجری و وفات او سنه ۳۶۰ بوده است.

۱۲- ابو علاء مسلم الاحوال: نقیب مشهد امیرالمؤمنین بوده و به طوری که در روضة الصفا نام او برده شده قضیه مرء بن قیس در زمان نقابت و تولیت او اتفاق افتاد که دو انگشت در ضریح مطهر امیرالمؤمنین بیرون آمد و مرء بن قیس دو نیم شد که جای انگشت در ضریح مطهر هنوز وجود دارد. مسلم الاحوال برای حراست از حرم مطهر و جواهرات آن جنگهای زیادی کرده و سرانجام بتابر روایتی در سنه ۳۸۰ در زمان القادر با الله عباسی او را شهید کردند. (به روایتی دیگر در کتاب مکارم الاثاروی در سنه ۳۸۹ به قتل رسید).

تولد مسلم الاحوال حدود سنه ۳۲۰ هجری بوده است.

۱۳- سید ابوعلی المختار: که متولد ۳۶۰ بوده و در حدود سنه ۴۴۰ فوت شده است. وی نقیب مشهد امیرالمؤمنین و امیرالحجاج زمان خودش بوده و بطوریکه در کتاب مجالس المؤمنین نوشته شده سادات بنی المختار که زیاد و معروفند از نسل اویند.

۱۴- میر سید عبدالله: که نقابت مشهد امیر المؤمنین و سمت امیر الحاج از پدر به او به ارث رسید. امیر

قاسم نسابه مختاری سبزواری شرحی مفصل در تمجید او و اولادش نوشته است. میر سید عبدالله حدود

سن ۴۱۰ متولد و در ۴۸۰ هجری به رحمت ایزدی پیوسته است.

۱۵- سید بزرگوار ابو نزار عدنان: پسر عبدالله، بعد از پدر مشغول خدمات و مناسب پدر بود و نجف

اشرف را بارها از تهاجم کفار و اشرار حفظ کرد و در تمامین شیعه و سنی کوشش فراوان کرد و به

روایتی در سن ۴۶۰ متولد و در ۵۵۰ از دنیا رفت.

۱۶- عمیدالدین ابو جعفر: که نقابت نجف اشرف و کوفه و عراق را داشته و در کمال زهد و تقوی

بوده است کتابی در فضیلت زیارت امیر المؤمنین نوشته است و در آن مطالبی بر ضد بنی عباس گفته

است. بدین جهت سعایت او را ترد خلیفه کردند و نقابت عراق را از او گرفته و به یکی از اهل سنت

دادند. و او تا آخر عمر در نجف اشرف به عبادت پرداخت و به نقابت نجف قناعت کرد. عمید الدین

ابی جعفر قبل از سقوط عباسیان خبر سقوط آن‌ها داد. این داشتمند و عالم مبارز در سن ۵۳۰ متولد و

در سن ۶۲۰ وفات یافت.

۱۷-السيد العالم شمس الدين على: که به سمت نقیب النقبا منصوب بود و در نیمه دوم قرن ششم و سنه

۵۸۰ متولد شده و بطویکه در کتاب الذریعه جلد نهم صفحه ۵۴۲ ذیل شماره ۲۹۹۹ فرموده سیدی ادیب

و شاعر و نقیب در کوفه بوده و دیوانی در اشعار دارد و بعد از فوت پدرش به علت کرامات زیاد پدر

مجدداً نقابت عراق را به او دادند و همچنین نقابت خراسان را او را نقیب النقبا خواندند و اوست که

موقع فتح بغداد در سنه ۶۵۶ به بغداد رفت و توسط خواجه نصیر الدین برای کربلا و نجف و حله امان

گرفت. این سید بزرگوار در سنه ۶۷۰ فوت شد.

۱۸-تاج الدين حسن نقیب النقبا: که در مجالس المؤمنین نقل شده سیدی فاضل و عالی همت بوده و

وقتی سلطان محمد خدابنده به قدرت رسید و به مذهب شیعه در آمد تاج الدين حسن رانزد خود

خواند و تا آخر عمرش به او احترامات فراوان گذاشت ولی بعد از فوت سلطان محمد خدابنده یعنی

سنه ۷۱۶ هجری قمری بعضی امراء دولت که سنی مذهب بودند با او مخالفت کردند و او را به درجه

شهادت رسانیدند تاج الدين حسن ۴ پسر داشت که یکی از آنها را به نام پدرش شمس الدين على

نامید. فوت وی در سنه ۷۱۶ واقع شده است و تولدش ۶۳۵ بوده است یعنی موقع شهادت ۸۱ ساله بوده

است.

۱۹-سید شمس الدين على: که به منصب نقابت تجف برسپورت وراثت باقی بود ولی چون عالمی بود

که علاقه فراوان به درس و تدریس داشت به حله رفت و مدت‌ها در آنجا به تحصیل و تعلیم مشغول بود و

خواهر علامه حلی را به زنی گرفت. شمس الدين على در حدود سنه ۶۶۰ متولد و در ۷۳۰ وفات یافت.

۲۰- سید عمیدالملة والدین عبدالمطلب: که هم پسر خواهر علامه حلی و هم داماد علامه حلی بوده

است و فضائل و کراماتش مشهور شیعه و سنی می باشد و او از اساتید شهید اول است و مت加وز از ۵۰

نفر از علمای شیعه از ایشان اجازه اجتهاد داشتند. تالیفات این دانشمند را مت加وز از ۱۰۰ کتاب می

دانند. تولد عمید الدین عبدالمطلب در نیمه شعبان سنه ۶۸۱ و وفاتش در شب دهم شعبان در سنه ۷۵۴

واقع شده است و در نجف اشرف به خاک سپرده شده است. وی از روات صحیفه سجادیه نیز میباشد.

۲۱- جلال الدین ابونصر ابراهیم: که در سنه ۷۰۵ متولد و در ۷۷۰ به رحمت ایزدی پیوست. وی

صاحب کتاب نهج الشیعه فی احکام الشریعه می باشد که در کتاب امل الامل از آن ذکر شده است.

۲۲- سید عبدالطلب که یکی از علمای بزرگ نجف اشرف بوده و در جلد ۲۵ بهار الانوار از اجازاتی

که از این بزرگ مرد به علماء داده شده است یادگردیده. او اولاد زیادی داشت که بعضی به حله بعضی

به خراسان و برخی به هندوستان رفتند که تاکنون نسل آنها باقی است. این سید بزرگوار در سنه ۷۳۵

متولد و حدود ۸۰۰ وفات یافت.

۲۳- شمس الدین علی در ۷۸۰ متولد و بعد از فوت پدرش در زمان سلطنت شاهزاد میرزا حدود سنه

۸۳۰ از بردارانش جدا شده و به سبزوار هجرت نموده است. از کمالات آن مرحوم، قاضی نورالله در

مجالس المؤمنین مطالبی ذکر کرده و او احتمالاً اولین کس از این سلسله است که به سبزوار آمده و

مقیم شده است. و در سنه ۸۳۶ وفات یافته و در سبزوار دفن شده است. این مطلب در کتاب مشجر

ابوجمیل نسخه ۷۲ خطی نیز نوشته شده است.

۲۴- شرف الدین محمد: پسر شمس الدین علی که از علمای بزرگ سبزوار بوده و جمی از علماء از او

اجازه داشتند و در حدود سنه ۸۱۰ متولد و در ۸۶۰ وفات یافته است.

۲۵- سید ناصر الدین احمد: که از ورع و تقوی و زهد یگانه عصر خویش بوده و مقبره او و پدرش و

پسرش در سبزوار مشهور به امام زاده احمد است.

و به طوریکه نقل شده است، کتاب شجرة اولیاء از تالیفات آن مرحوم می باشد. ناصر الدین احمد در

سنه ۸۳۰ متولد و در ۹۰۰ وفات یافت.

۲۶- شمس الدین علی اکبر: که از ارکان دولت شاهزاده و والی سبزوار بوده و مقبره او، پدر

و پدر بزرگش چنانچه گفتیم به امام زاده احمد معروف است و اکبر شاه هندی در سنه ۹۵۱ برای

مقالات او از هندوستان به سبزوار آمد که این مطلب در صفحه ۴۷۰ کتاب وقایع السنین و الاعوان ذکر

شده است. شمس الدین علی اکبر در سال ۸۵۰ متولد و در ۹۵۴ وفات یافت.

۲۷- سید تاج الدین علی: که بعد از فوت پدر از مناصبی که پدرش داشته بر کنار شده و از سبزوار به

عتبات رفته و در نجف اشرف و یا کربلا فوت شده است تولد این مرد در سنه ۸۷۰ اتفاق افتاده و حدود

سنه ۹۵۰ وفات یافته است.

۲۸- میرسید مهدی: که سه پسر داشته یکی به نام شرف الدین بوده که به دستور سلطان حسین میرزا

یکی از پادشاهان تیموری حدود سنه ۹۱۰ به بلخ رفته است. و بعد از انقراض سلسله تیموری سنه ۹۱۲ به

هندوستان رفته و در آنجا متوطن شده است. که اولادش هنوز در هندوستان هستند. ولی دو پسر دیگر

از جمله سید محمد در نجف بودند. سید مهدی در سنه ۸۹۰ متولد و در ۹۶۰ وفات یافته است.

۲۹- سید محمد: نقیب مشهد امیرالمؤمنین و یکی از اشخاص فکور و عاقل زمان خویش شمرده می

شد. و زحمات زیادی در زمان نقابت خویش در نجف کشیده است و بعضی از اولاد او هنوز در نجف

جزو خدام امیرالمؤمنین می باشند. تولد این بزرگمرد در سنه ۹۴۰ و وفاتش در ۹۹۰ اتفاق افتاد.

۳۰- سید عالم سیدی عبدالرضا: که بعد از تحصیل در نجف به علت قطع آب در آنجا به سبزوار

برگشته و کتاب عمل روزو شب را از او نقل کرده اند. این دانشمند در سنه ۹۸۵ متولد و در ۱۰۶۰ فوت

شده است.

۳۱- سید شمس الدین محمد پسر سید عبدالرضا در ۱۰۱۵ متولد و از سبزه وار به بغداد آمد و شیعیان

بغداد دور او را گرفتند ولی حاکم بغداد بازیک یک از ترس همکاری مردم با سید محمد او را به

زندان انداخت و مورد شکنجه قرار داد ولی پس از فتح بغداد سید محمد از زندان آزاد شد و به نجف

رفت و به نقابت آن آستان مقدس رسید. وی در ۱۰۸۰ فوت شد

۳۲- سید جلیل میرابوالمعالی فرزند سید محمد بعد از فوت پدرش و شروع کشمکشهای دولتهاي

صفوی و عثمانی به سبزه وار آمد که الان جمعی از اولاد او در سبزه وار هستند. وی در ۱۰۶۰ متولد و

در ۱۱۲۵ در سبزه وار فوت شد.

۳۳- سید عالم سید محمد پسر میر ابوالمعالی که از سادات و علماء بزرگ سبزه وار بوده است و قبرش

هم اکنون در سبزه وار است. وی در ۱۰۸۰ متولد و در ۱۱۴۰ فوت شده است

۳۴- سید جلیل میر عبدالرزاق فرزند سید محمد که مشهور به کرامت و پناه مردم بود و مستجاب الدعوه

نیز بوده است و او اول کسی از این سلسله است که سنه ۱۱۳۲ از سبزه وار به اصفهان آمده و یکسال

قبل از فته افغان سنه ۱۱۳۴ و در زمان افغانه در اصفهان دچار زحمات زیادی شده است. وی در ۱۱۰۰

متولد و در ۱۱۵۰ قمری در اصفهان فوت شد

۳۵- سید عالم آقا میر ابو صالح فرزند میر عبدالرزاق که از سادات و بزرگان علماء اصفهان بوده و

مرحوم حاجی کلباسی صاحب کتاب اشارات بطوریکه در گوشش شجره نامه مورخ ۱۲۱۲ قمری نوشته

است در سن طفولیت همراه پدرش به دیدن این بزرگمرد رفته است و از قول مرحوم میر باقر لبانی که

از علماء آن عهد بوده این شجره نامه را از ابتدای تایید کرده است میر ابو صالح امام جماعت مسجد شاه

اصفهان (مسجد امام فعلی) بوده و مرد زاهدی بوده است. در ۱۱۲۰ متولد و در ۱۱۷۵ فوت شده است.

۳۶- سید میر محمد اسماعیل واعظ فرزند میر ابو صالح که امام جماعت و واعظ مسجد شاه اصفهان

(مسجد امام) بوده است و وفاتش در سنه ۱۲۰۰ اتفاق افتاده و سه پسرداشته به نامهای میر محمد رفیع و

میر محمد تقی که شیخ الاسلام ماریین اصفهان بوده و اولاد او هنوز در ماریین هستند. و دیگری میر

محمد باقر که اعلم و عالم تر آنها بوده است.

۳۷- سید عالم میر محمد باقر فرزند میر محمد اسماعیل که از علماء بزرگ زمان خود و امام جماعت

در مسجد شاه بوده است و به طویکه در وقف نامه مدرسه میرزا مهدی در بید آباد اصفهان ذکر شده

است وی مدرس و مؤسس این مدرسه بوده است (در سنه ۱۱۹۸ هجری قمری) کتب چندی نیز تألیف

کرده میر محمد باقر از مبجتهدین مسلم اصفهان و سر سلسله سادات میر محمد صادقی بوده، وی دارای

۹ اولاد پسر بوده که کلیه سادات میر محمد صادقی و مدرس و مدرس صادقی و نور صادقی از اولاد

این بزرگ مرد هستند که چون یکی از ۹ نفر و اول اولاد او میر محمد صادق بوده است که از بزرگان

علماء عصر اصفهان بوده این سلسله را بعداً به سلسله میر محمد صادقی نامیده اند. میر محمد باقر تولدش

حدود سنه ۱۱۶۱ واقع شده و وفاتش حدود سنه ۱۲۲۵ قمری بوده است.

اسامی ۹ فرزند میر محمد باقر بدین شرح است:

۱- آقا میر محمد صادق ۲- میر محمد ۳- میر علی نقی ۴- میر محمد رضا ۵- میر سید علی ۶- میر محمد کاظم

۷- میر محمد مهدی ۸- میر محمد اسماعیل ۹- میر محمد شفیع.

-۳۸- سید جلیل میر محمد اسماعیل معروف به آقا پسر میر محمد باقر که از اکابر شهر اصفهان و رتق و

فتق امور شهری با ایشان بوده است و در ۱۱۸۰ یا ۱۱۸۵ متولد شده و کتابی درادعیه تألیف نموده که

هم اکنون در اختیار نویسنده می باشد و شجره نامه خطی که ذکر آن رفت و حاجی کلباسی نیز آنرا

تایید کرده بود در سال ۱۲۱۲ قمری وسیله این بزرگ مرد تهیه شده و سایر برادران و عموهایش نیز

آنرا تایید کردند که اصل آن نزد عمومی حقیر حاج آقا سید مجتبی و فتوکپی آن ضمیمه این شجره نامه

می باشد، البته مرحوم میر محمد اسماعیل این شجره نامه را از روی رساله شریفه موسوم به مشجر ابو

جمیل از تصنیفات عالم فاضل میر محمد امین ابن شاه حسین ابن شمس الدین علی سلطان المختاری

الحسینی حاکم دار المؤمنین سبزوار نوشته است و بطوریکه در گوش شجره نامه مذکور میر محمد

اسماعیل نوشته است در سنه ۱۲۴۰ قمری وی ۲ فرزند پسر به نام های میر فخر الدین محمد و میر علی

اکبر داشته است که میر فخر الدین خودش در آن زمان دارای چهار اولاد، سه پسر و یک دختر بوده

است به نامهای میر محمد حسین، میر محمد حسن، میر محمد علی و شمس جهان بیگم و میر علی اکبر

در آن زمان دارای دو پسر به نامهای میر محمد حسین، میر محمد جعفر و دختری به نام شمس جهان

بیگم داشته است. وفات میر محمد اسماعیل ۱۲۵۰ بوده است.

-۳۹- سید میر فخر الدین که از علمای بزرگ اصفهان بوده و تحصیلات خود را در نجف اشرف تا

درجه اجتهداد به اتمام رساند تولدش در سال ۱۲۱۰ و وفاتش حدود ۱۲۸۰ بوده است.

-۴۰- میر سید محمد حسین فرزند میر فخر الدین که عمر نسبتاً کوتاهی داشته و در ۱۲۴۰ متولد و در

سال ۱۲۸۶ در اصفهان فوت شده و از او یک پسر بنام حاج سید مصطفی و دو دختر باقیمانده است.

۴۱- حاج میر سید مصطفی میر محمد صادقی بزرگ خانواده میر محمد صادقی واز صاحب نظران

فamil و از مریدان مورد اعتماد آیات عظام میر سید حسن مدرس (که چهارصد مجتهد مثل میرزا

شیرازی تربیت کرد) و میر محمد تقی مدرس بود و هنگام فوت ابتدا در مقبره مسجد رحیم خان

(مدرس مطلق فعلی) پائین پای آن دو بزرگوار موقتاً دفن شد و پس از چندی جنازه او را به نجف

ashref وادی السلام در سکوی رشتی ها دفن کردند. وی ۱۷ ربیع الآخر سال ۱۲۷۹ متولد و در صفر

۱۳۴۵ هجری قمری در ۶۶ سالگی فوت شده است و از ایشان سه پسر بنام های میر سید کمال

الدین (پدر نویسنده) و میر سید حسین و میر سید مجتبی و پنج دختر بجا ماندند.

۴۲- میر سید کمال الدین میر محمد صادقی شاعر، عارف و اهل فضل بود که در سن ۱۳۰۹ هجری

قمری متولد و در سن ۱۳۶۳ در سن ۵۴ سالگی از دنیا رفت و در تکیه سادات میر محمد صادقی جنب

تکیه شهادی فعلی در محلی که وقف خاص برای دفن سادات میر محمد صادقی است مدفون می باشد

از ایشان سه پسر بنامهای حاج سید بهاء الدین و حاج سید علاء الدین و اینجانب مهندس سید رضا میر

محمد صادقی و دو دختر بنامهای سیده عزت آغا و سیده زهرا خانم باقیماند کتابی در اشعار و مذبح

ائمه طاهرين داردوي در ۱۳۱۴ بعلت مخالفت با کشف حجاب در پادگان فرح آباد اصفهان مدت‌ها

زنданی شد و وقتی نان را در ۱۳۲۰ جیره بندی کردند برای رضا شاه شعری سرود که دو سطر آن بقرار

زیر است

دیگه نون استدن کپون نمی خواه

حمام بى ستون ستون نمی خواه

دیگه اینطور گله چوپون نمی خواه

چوشد گله ما خوراک گرگا